

بازتاب انقلاب اسلامی در شعر نصرالله مردانی

آسیه ذبیح‌نیا عمران *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

چکیده

نصرالله مردانی «ناصر» (۱۳۲۶ - ۱۳۸۲ ه. ش) یکی از بزرگترین شاعران انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌آید که نفوذ و تأثیرگذاری اندیشه اسلامی و گفتمان تشیع در شعر او آن‌قدر گسترده و فراگیر است که حتی جزئی‌ترین رفتارها در انطباق با آن معنا و مفهوم می‌یابد. با پیروزی انقلاب اسلامی، شعر آیینی، در جریان فکری جدیدی قرار گرفت که پیش از آن سابقه نداشت و پرداختن به مفاهیمی همچون شهادت، مبارزه با طاغوت، ظلم‌ستیزی، همدردی با مستضعفان جهان و مضمون‌هایی از این‌گونه، در شعر نصرالله مردانی در سرلوحه اشعار او قرار گرفت. اشعار انقلابی او کاملاً پویا و فعال، و شاعر نیز به‌دنبال موعود، در حرکت است. در شعر او، دیگر خبری از ایستایی و جامدبودن اشعار دوره قبل از انقلاب نیست. همزمان با تجدید حیات اسلام بعد از انقلاب اسلامی، درکی نوین از مفاهیم دینی در پرتو قیام مذهبی، به‌شکلی تازه و تجدید حیات‌یافته، با درون‌نمایی دینی در اشعار او ظهور می‌کند که «ادبیات انقلاب اسلامی» نمونه برجسته آن به‌شمار می‌رود. هدف اصلی مقاله تبیین چگونگی تأثیرگذاری و انعکاس پدیده انقلاب اسلامی در اشعار نصرالله مردانی از شاعران ارزشی دهه ۶۰ است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای است. مطابق یافته‌های پژوهش، نتایج و دستاوردهای دوران انقلاب اسلامی ایران از نظر اتکا بر دین و شریعت و صیانت از تمامیت ارضی کشور و همچنین نظام و ارزشهای مذهبی و ملی در اشعار مردانی انعکاس یافته است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، نصرالله مردانی، شعر، قیام، ادبیات پایداری

مقدمه

شعر عصر انقلاب همگام با شکل‌گیری نهضت اسلامی در سالهای پایانی حکومت رژیم پیشین پا گرفت و مسیر خود را مشخص کرد. در راهپیماییها و تظاهرات روزهای انقلاب، بسیاری از شاعران با الهام از دستاوردهای نهضت، شعر گفتند و ارزشهای نوین حرکت مردمی را در اشعار خود منعکس کردند که عمدتاً جنبه‌های حماسی، عرفانی و دینی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کمیّت این آثار رو به فزونی گذاشت و رشادتها و از خودگذشتگی‌های نسل انقلاب را در خود بازتاب داد. انقلاب اسلامی با دگرگونی ارزشها و به میدان کشاندن نیروهای ملی و مردمی و تحریک عواطف میهنی مردم، قلمرو تازه‌ای به روی شعر و ادب فارسی گشود و راه ورود موضوعات و مضمون و حتی واژگانی جدید را به روی زبان و ادبیات فارسی باز کرد.

نصرالله مردانی از شاخصترین شاعران مذهبی انقلاب اسلامی است که با برخورداری از بینش توحیدی، سیاسی و اجتماعی با زبانی ساده و روان، اشعاری عمیق و ماندگار آفریده است.

این مقاله به سؤال ذیل پاسخ می‌دهد:

- مهمترین محتوای انقلاب اسلامی در اشعار نصرالله مردانی چیست؟

تاکنون درباره سیمای انقلاب اسلامی در اشعار نصرالله مردانی و بررسی و تحلیل محتوای اشعار انقلابی او هیچ پژوهشی مستقل نگاشته نشده است. این مقاله می‌تواند فتح بایی برای جلب توجه پژوهشگران به این حوزه در مطالعات انقلاب اسلامی ایران و ادبیات پایداری باشد. برخی از آثار مرتبط با موضوع انقلاب اسلامی و ادب مقاومت به این شرح است:

«شعر آیینی و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی» اثر زهرا محدثی که در آن اشعار آیینی پارسی و تازی معرفی شده و جایگاه سروده‌های نبوی، علوی، رضوی، مهدوی و... بویژه پس از انقلاب بررسی شده است. «نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس» به قلم محمدرضا سنگری در سه جلد به‌طور مبسوط جنبه‌های گوناگونی از شعر دفاع مقدس را بررسی و شناسایی می‌کند. تحقیقات ارزنده دیگری نیز درباره این اشعار به رشته تحریر درآمده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ترابی در سال (۱۳۸۱) کتاب «شکوه شقایق» را توسط مؤسسه فرهنگی سما در قم منتشر کرد. نویسنده در این اثر به بررسی سروده‌های سرایندهگان مطرح در حوزه شعر دفاع مقدس از جهت زبان، عاطفه، اندیشه و محتوا در دو بخش چهار فصلی پرداخته است. قاسمی در سال (۱۳۸۱) کتاب

«صور خیال در شعر مقاومت» را توسط نشر فرهنگ گستر در تهران چاپ کرد. این اثر شش فصل دارد که طی آن به صور خیال، قالبهای شعری و مختصری هم در باب جنبه‌های حماسی سروده‌های مقاومت بویژه اشعار دفاع مقدس پرداخته شده است. مکارمی‌نیا در سال (۱۳۸۳) کتاب «بررسی شعر دفاع مقدس» را به وسیله نشر ترفند در تهران منتشر کرد. در این اثر علاوه بر وزن، قالب، زبان و صور خیال به زیربنای فکری و فلسفی اشعار دفاع مقدس نیز اشاراتی شده است. کافی در سال (۱۳۸۱) کتاب «دستی بر آتش» را توسط نشر نوید شیراز چاپ کرد. در این اثر مفاهیم اسلامی در شعر دفاع مقدس، بیش از مباحث دیگر در کانون توجه نویسنده بوده است. امیری خراسانی در سال (۱۳۸۷) مجموعه‌ای را با عنوان «نامه پایداری» توسط بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس منتشر کرد. این مجموعه، مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری را دربردارد که از میان مجموع ۳۷ مقاله، ۱۴ مقاله به ادب پایداری اختصاص دارد. ایزدی در سال (۱۳۹۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشدی را تحت عنوان «بررسی محتوایی اشعار انقلاب اسلامی» ارائه کرد. در این پایان‌نامه موضوعات مهم و پرکاربرد در مجموعه سروده‌های برخی از شاعران مانند عشق، عرفان، ایثار و شهادت و توصیفات آنها بررسی شده است.

همان‌گونه که از عناوین این آثار در پیداست، تاکنون مضمونهای انقلاب اسلامی در اشعار مردانی مورد بررسی قرار نگرفت. این مقاله تلاش می‌کند تا بدین امر بپردازد.

روش تحقیق در این مقاله موردی - زمینه‌ای با رویکرد همبستگی است. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روشهای اسنادی (فیشرداری به صورت توصیفی) و پیمایشی (استفاده از نظریات نصرالله مردانی) استفاده شده است. هم‌چنین مقاله می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا»، مضمونهای مرتبط با انقلاب اسلامی را از اشعار نصرالله مردانی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. قلمرو این تحقیق تمامی اشعار مردانی را دربرمی‌گیرد. هم‌چنین ویژگیهای انقب اسلامی به صورت گزینشی، استخراج و تدوین شده است.

بحث و بررسی

نصرالله مردانی متخلص به «ناصر» به سال ۱۳۲۶هـ.ش در کازرون به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همان جا به پایان برد؛ اما به دلیل دارا بودن مسئولیتهای فرهنگی، بسیاری از اوقات خود را در

تهران گذراند. از دوران کودکی شعر گفتن را آغاز، و خیلی زود در مطبوعات جایی برای خود باز کرد. آثار منتشر شده وی عبارت است از: «قیام نور»، «خون نامه خاک»، «آتش نی»، «شعر اربعین»، «قانون عشق»، «گزیده ادبیات معاصر و مجموعه شهیدان شاعر» و «منظومه شهادت»، «سمند صاعقه»، «تصحیح دیوان حافظ» و... (بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۹۶).

آخرین مجموعه شعر مردانی «چهارده نور ازلی» نام دارد که تمام شعرهای آیینی وی را شامل می‌شود. او در این منظومه تمام معصومین را مدح گفته است. وی در سال ۱۳۸۲ در کربلا بدرود حیات گفت (کافی، ۱۳۸۸: ۶۶۲). او به غزل از دیگر قالبهای شعر پارسی بیشتر گرایش داشت و معتقد بود غزلسرایی حساسیت و ذهنیتی وسیع و تخیلی قوی می‌طلبد. تخیل نیز در ساختار مضمونهای بدیع و بکر شعر مردانی نقش اساسی دارد. برخی از غزلیات «مردانی» را می‌توان در شمار غزلیات نو معتدل به شمار آورد. «غزل نو معتدل» به دسته‌ای از غزلهای دوران معاصر گفته می‌شود که در عین تازگی و طراوت بافت، بیان و مضمون و... به شیوه امروزی بهره‌مند است. بخش اعظم میراث نو معاصر شامل این آثار است (روزبه، ۱۳۸۱: ۳۱۳).

برجسته‌ترین ویژگیهای محتوایی اشعار انقلابی نصرالله مردانی ترکیبات انقلابی در اشعار مردانی

نصرالله مردانی سرآمد حرکت نهضت ترکیب‌سازی در سالهای آغازین انقلاب است. البته ترکیب‌سازی در ادب فارسی دیرینه است و در زبان «نظامی» بویژه در مخزن‌الاسرار و «خاقانی» در قصاید و به‌طور عمده در شیوه موسوم به سبک هندی به فراوانی به چشم می‌خورد (کافی، ۱۳۸۹: ۶۴). نصرالله مردانی از جمله شاعرانی است که از بیشترین امکانات واژه‌ها کمک گرفته و به ترکیب‌سازی و نوآوری در این راه پرداخته است.

غزل «سمند صاعقه» سروده «نصرالله مردانی» نمونه‌ای از نهضت ترکیب‌سازی است که هریت

آن حداقل دو ترکیب را در خود دارد:

سمند صاعقه زین کن سواره باید رفت	به عرش شعله سحر با ستاره باید رفت
شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید	به دار سرخ انا الحق دوباره باید رفت
گذشت کشتی خورشید از جزیره موج	به غرقه گاه خطر زین کناره باید رفت

(مردانی، ۱۳۶۴: ۵)

نکته مهم در ترکیبات این ابیات به کارگیری آرایه تشخیص است. ویژگی شعر مردانی استفاده فراوان و در عین حال بجا از عنصر تشخیص در ایجاد تصاویر شعری پویا و متحرک است. اصولاً تشخیص، سبب حرکت و پویایی تصاویر شعری می‌شود که لازمه روح حماسی شعر است. مردانی بخوبی این مطلب را درک کرده و در شعر خود جابه‌جا از جانبخشی امور حسی و گاه انتزاعی غافل نبوده است.

ترکیبات «کشتی خورشید»، «جزیره موج»

ای یلان صف شکن اسطوره شد ایشارتان کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان

(مردانی، ۱۳۶۴: ۱۷)

آب شدن کوه آهن در معنی حقیقی خود به معنای ذوب شدن است؛ اما مفهوم کنایی آن «شکست دشمن قوی» است.

امین‌پور درباره ترکیبات مردانی (ویژه‌نامه سوره، جنگ هفتم) چنین می‌نویسد:

برخی از واژگان انقلاب بشدت مورد توجه «مردانی» قرار گرفت و به‌عنوان پایه‌ای برای ترکیب‌های متفاوت واقع شد که بسامد چشمگیری یافت. این حضور چندان زیاد بود که حتی در مواردی به ذوق زدگی و ایراد و انتقاد انجامید. یکی از این واژه‌ها «خون» است. قابل ذکر است که فقط در کتاب «خون نامه خاک» (نصرالله مردانی) ۹۳ ترکیب آن را می‌توان سراغ گرفت (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۵۹). نکته درخور توجه اینکه از این تعداد فقط ترکیب خون دارای سابقه است:

کشتی خون، دریای خون، خوان خون، تاریخ خون، گرداب خون، شبنم خون، تیغ خون، درباره خون، رسول خون و... (مردانی، ۱۳۹۰: ۶۷).

بگذرد از کوجه‌های آب ماه خون فشان فاتح از اقلیم شب آید سپاه خون فشان

(مردانی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

شعرهای آغازین انقلاب دارای وزن کوتاه و آهنگ تند است؛ چرا که وزن کوتاه و آهنگ

تند، لحن حماسی و مجال تنگ فرصت را بخوبی نشان می‌دهد:

بزن طبل خون در پگاه ظفر که آمد به میدان سپاه ظفر

گذشتند از خوان تاریخ تلخ دلیران آوردگاه ظفر

(مردانی، ۱۳۶۴: ۴۸)

مضمونهای عاشورایی در اشعار انقلابی نصرالله مردانی (تأسی به قیام امام حسین(ع) در انقلاب اسلامی ایران)

حرکت هدفمند امام حسین(ع) و یارانش، زیباترین و نابترین نمود در شعر انقلاب اسلامی را به خود تخصیص داده است. علت توجه بسیار این است که در ایران، مقارن شکل‌گیری جریان شعر نوین مذهبی دو اتفاق بسیار مهم صورت گرفت که حضور عاشورا و عظمت آن را در شعر نصرالله مردانی پررنگتر کرد: یکی پیروزی انقلاب اسلامی و دیگری جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دوران دفاع مقدس بود.

در کربلای ایثار مردانه در ستیزند
 در رزمگاه ایمان با اسب خون بتازند
 ننگ است جان سپردن در دخمه تاران
 (مردانی به نقل از: کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۵)

درونمایه ادبیات انقلابی در کشور شیعی و علوی ایران، تحت تأثیر تاریخ وقایع مذهبی بویژه عاشورای حسینی است. طرح مفاهیمی چون «حماسه و عرفان» در پرتو وقایع عاشورای حسینی، نخستین تجلی ادبیات انقلابی است؛ به عبارت دیگر به جای اینکه «تاریخ عاشورا تنها اندرز گذشتگان» و «تسکین حال معاصران» باشد به فلسفه پویای قیام در دوره‌های متوالی تاریخ تبدیل شد» (کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۳). اگر بخواهیم عمده‌ترین تفاوت سروده‌های عاشورایی «مردانی» را در دوران قبل (سده‌های نخستین تا قبل از پیروزی انقلاب) و دوره معاصر (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که پیش از این، واقعه کربلا عمدتاً به صورت رویدادی مجرد و بدون ارتباط عمیق با تاریخ و اجتماع بررسی می‌شد و نگاه شاعر به آن، جز در مواردی معدود، بیشتر از سر تأثر بود؛ اما در اشعار مردانی بتدریج این تفکر پیدا شد که به ابعاد سیاسی، اجتماعی و تاریخی عظیم کربلا نیز توجه عمیقی باید کرد:

آنچه در سوگ تو ای پاکتر از پاک گذشت
 چشم تاریخ در آن حادثه تلخ چه دید
 که زمان مویه کنان از گذر خاک گذشت
 که چه‌ها بر سر آن پیکر صد چاک گذشت
 آن که با پستای دل از قله ادراک گذشت
 هر کجا دید نشانی ز تو چالاک گذشت

بود لب تشنه لبهای تو صد رود فرات رود بیتاب کنار تو عطشناک گذشت
 بر تو بستند اگر آب سواران سراب دشت دریا شد و آب از سرافلاک گذشت
 با حدیثی که ملایک ز ازل آوردند سخن از قصه عشق تو ز لولاک گذشت
 (مردانی، ۱۳۶۴: ۱۷۶)

در مجموع می‌توان گفت در اشعار پس از پیروزی انقلاب اسلامی نصرالله مردانی، حضور شعور مذهبی، تجلی خاصی یافت. به‌طور طبیعی، انقلاب و انقلابیون از حادثه کربلا الهام گرفتند و این الهام قاعدتاً در شعر مردانی نیز انعکاس ویژه‌ای پیدا کرد. از سویی از آنجا که شاعر رویارویی خاصی میان حق و باطل را احساس می‌کند برای تصویرگری شاعرانه آن در تاریخ اسلام در جست‌وجوی وقایعی مشابه آن است و البته در این میان «واقعه عاشورا» بهترین نماد این رویارویی به نظر می‌آید. هر رویداد تاریخی در قالب تحولات مذهب، دارای دو بعد ظاهری و درونی است. راه یافتن به ساحت ظواهر از طریق دیدن و شنیدن صورت‌پذیر است و دستیابی به باطن هر اصل، که ابعاد معنوی آن را دربردارد از راه کشف و شهود امکان‌پذیر است. در تحلیل واقعه عظیمی چون عاشورا، این مبانی در قالب سه عنصر و اصل تعریف شده است: حماسه، سوگ، پیام. در شعر نصرالله مردانی پس از پیروزی انقلاب، هر سه عنصر وجود دارد؛ اما حضور سوگ صرفاً تا حدی مشهود است که بیانگر روح درد آلود شاعر از این واقعه است.

من واژگون، من واژگون، من واژگون رقصیده‌ام
 من بی‌سر و بی‌دست و پا در خاک و خون رقصیده‌ام

(مردانی، ۱۳۶۴: ۹)

اگرچه در این بیت، نوجویی ردیف در کلیت شعر انقلاب بخوبی مشهود است از این میان سهم نصرالله مردانی در ردیفهای اسمی و با لحن و زبان حماسی خاص خود بیش از دیگران است. ردیف در شعر نصرالله مردانی جایگاه خاصی دارد. او در بسیاری از غزلهای خود با استفاده از ردیفهای مناسب و مرکز قراردادن آن در تصاویر شعری و تکیه خاص آهنگ شعر بر آن، سبب خلق تصاویر زیبا به مدد ترکیبهای بدیع و زیبای استعاری و تشبیهی حاصل از ردیفهای اسمی و فعلی شده است. به این ردیف فعلی توجه فرمایید:

سمنند صاعقه زین کن سواره باید رفت به عرش شعله سحر با ستاره باید رفت
 شهید زنده تاریخ عشق می‌گوید به دار سرخ انا الحق دوباره باید رفت

گذشت کشتی خورشید از جزیره موج به غرقه گاه خطر زین کناره باید رفت
(مردانی، ۱۳۶۴: ۵)

راه ما راه حسین است که با تیشه خون
به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم
شیشه عمر تو ای دیو بدآیین زمان
دیگر اهریمن «من»ها نفریبد دل «ما»
مشت‌ها بر دهن یاوه سرایان کوییم
صبح «والعصر» به پیروزی نور اندیشیم
گرچه تاریخ سکوت است نبودن، اما
همه بتهای زمین در شب روشن شکنیم
ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم
ما به سرینجه ایمان چو تهمتن شکنیم
همگی ما بشویم و شبح من شکنیم
زورمندان جهان را همه گردن شکنیم
قامت این شب پر وحشت شیون شکنیم
ما سکوت دم بودن ز نبودن شکنیم
(مردانی، ۱۳۶۴: ۸۳-۸۲)

ردیف «شکنیم» در این ابیات درخور توجه است که با معنای ابیات انقلابی در تناسب است.
شعرهای آغازین انقلاب دارای وزن کوتاه و آهنگ تند است؛ چرا که وزن کوتاه و آهنگ
تند، لحن حماسی و مجال تنگ فرصت را بخوبی نشان می‌دهد.

بزن طبل خون در پگاه ظفر
گذشتند از خوان تاریخ تلخ
که آمد به میدان سپاه ظفر
دلیران آوردگاه ظفر
(مردانی، ۱۳۶۴: ۴۸)

در شعر مردانی، تناسب داستان زندگی پیامبران چون داستان حضرت آدم(ع) و فرزندش هابیل
و شخصیت‌های مذهبی چون امام علی(ع)، امام حسین(ع) و عاشورا با مضامین عرفانی و حماسی
انقلاب اسلامی علاوه بر ماهیت روایی اشعار انقلاب اسلامی، کاربرد این گونه تلمیحات بینامتنی را
به پربسامدترین نوع تلمیحات در اشعار انقلاب اسلامی او تبدیل کرده است:

نوشت در دم میلاد خاک «آدم» خون / شکوه نهضت «هابیلیان»، «محرم» خون / هنوز کینه
«قابلیان» قاتل عشق / شراره‌ای است که دارد به سینه عالم خون / دگر سلاح تو ای «دیو» کور،
کاری نیست / کنون به دست «سلیمان» ماست «خاتم» خون (مردانی، ۱۳۶۴: ۵۸).

وطن دوستی

وطن دوستی یکی از مضمونهای مهم در اشعار انقلابی «مردانی» است که او با رنگی دینی و
انقلابی در اشعار انقلابی خویش به آن پرداخته است. در اشعار «مردانی» عشق به وطن، میهن و

توصیف شکوهمندی و استواری و عظمت آن گاهی با بیان تحسراآمیز و غمگینانه همراه است. او برای وطن صفاتی زیبا قائل است.

وطن یعنی کشور خون و شهادت:

ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم

تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم

(مردانی، ۱۳۷۴: ۲۷)

به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم؟

ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم

(مردانی، ۱۳۶۰: ۴۳)

وطن‌خواهی بخشی از هویت ملی است که علاوه بر شعر مردانی در اشعار شاعران انقلابی دیده می‌شود. وطن‌خواهی مردانی را در پیوند با مواردی همچون سرشت و عواطف فردی، روحیه دشمن ستیزی و اتحاد همگانی می‌توان جست. در مجموع، مضمون وطن و آزادی‌خواهی به مفهوم امروزی از دوره مشروطه وارد ادبیات فارسی شد و شاعران این دوره با انتقاد از نفوذ بیگانگان در کشور، فریاد وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی برآوردند.

ظلم‌ستیزی

یکی از مسائل اجتماعی، که حجم وسیعی از شعر معاصر را به خود اختصاص داده است، مبارزه با ستمگران و خودکامگان تاریخ است. نیش قلم شاعر در این اشعار متوجه تمام افرادی است که غاصبانه و ظالمانه بر گرده مردم سوار شده، و به یاری زر و زور و تزویر و بهره‌گیری از امکانات تبلیغاتی و کمک روشنفکران وابسته به مطامع دنیوی، زمینه تباهی استعدادها و تواناییهای فکری قشر عظیمی از مردم ضعیف را فراهم آورده‌اند (رادفر، ۱۳۷۳: ۱۸۸). نصرالله مردانی در بیشتر اشعاری که در دوره انقلاب سروده به انقلاب اسلامی متعهد و وفادار است. گویی رسالت انقلابی او در این است که وی تصویر علایق و آرمانهای ملتی را در اشعار خویش منعکس کند که استقلال و تمدن آن در حال تکوین است و از دلاوریها و احوال قهرمانان وطن سخن گوید و به تحلیل خلق و خوی آبر مردانی پردازد که برای کسب افتخارات و حفظ کیان ملتشان می‌کوشند، و انقلاب آنان را مبارزه با ظلم و نبرد با اهریمن و شیطان صفتان بدانند و جریان را به شکلی غرورانگیز وصف کند:

ای یلان صف شکن! اسطوره شد ایثارتان
تندر تکبیرتان طوفان سرخ روزگار
کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان
نعره‌های نور جاری در گل رگبارتان
گونه را در شط خون شوید و رو دروی خصم
تا شود گلگونتر از روی شفق رخسارتان
(مردانی، ۱۳۷۶: ۲۲۱)

انتظار منجی

شعر انتظار از مهمترین زیرمجموعه‌های شعر مهدوی در اشعار انقلابی نصرالله مردانی است. شور و حالی که در شعر انتظار او موج می‌زند، روایتگر انقلاب درونی اوست که ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف را لحظه شماری می‌کند. البته درباره این موضوع، میان ادیبان کهن و شعر امروز تفاوتی است؛ یعنی در شعر قدیم پرداختن به این موضوع غالباً اجمالی بوده است؛ اما طرح گسترده مهدویت در شعر فارسی به آغاز دوران صفویه و روی کارآمدن تفکر شیعی، بویژه دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد به طوری که می‌توان گفت که «انعکاس مهدویت در شعر پس از پیروزی انقلاب، برابر با تمام تاریخ شعر فارسی است» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

به سرزمین یقین، خون عشق می‌جوشد
عروس دهکده صبح در حصار نسیم
ستاره در دل شب رخت نور می‌پوشد
کنار بیشه شب، میش نور می‌دوشد
به پهن دشت خزان ای بهار سبزاندیش
صدای سبز تو چون رودبار می‌جوشد
(مردانی، ۱۳۶۴: ۱۰۲)

این در ابیات، مردانی از عنصر تشخیص در ایجاد تصاویر شعری پویا و متحرک استفاده فراوان کرده است. اصولاً تشخیص سبب حرکت و پویایی تصاویر شعری می‌شود که لازمه روح حماسی شعر است. مردانی بخوبی این مطلب را درک کرده و در شعر خود جای جای از جنبشی امور حسی و گاه انتزاعی غافل نبوده است.

...در کلامت شکفته روح پگاه / بوستانت پر از شکوفه تر / در «غزلهای» عارفانه تو / عطر گل‌های یاس و نیلوفر / ای بلند آسمان «قصیده» تو / آسمان بلند و روشنگر / جذب ای هست در «رباعی» تو / که برد هوش و دل ز اهل نظر / نثرهایت زلال چشمه نور / نظمهای تو خوشه‌های گهر / «مثنویهای» تو همه پر بار / «طبیات» تو زمزم اطهر / در درون «ملمعات» تو هست / آتشی خفته زیر خاکستر / در «خواتیم» و «صاحیبه» تو / آب و آتش کنار یکدیگر (مردانی، ۱۳۶۴: ۱۲۴).

رجزهای انقلابی در اشعار مردانی

مهمترین درونمایه شعر نصرالله مردانی رجز است. در اشعار او اولین مضمون و جانمایه لحن حماسی، آهنگ اشعار و نبض تپنده کلمات است. اشعار آغازین انقلابی او دارای وزن کوتاه و آهنگ تند است؛ چرا که وزن کوتاه و آهنگ تند، لحن حماسی و مجال تنگ فرصت را بخوبی نشان می‌دهد:

بزن طبل خون در پگاه ظفر
که آمد به میدان سپاه ظفر
گذشتند از خوان تاریخ تلخ
دلیران آوردگاه ظفر

(مردانی، ۱۳۶۴: ۴۸)

«رجز» در اشعار نصرالله مردانی به قصد ارباب دشمن صورت می‌گیرد:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم
صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ
چون «علی» فاتح خیر شکن تن، شکنیم
به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم
ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم
شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان
ما به سر پنجه ایمان چو تهمتن شکنیم

(مردانی، ۱۳۶۰: ۴۳-۴۴)

بهره‌مندی از الفاظ و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی در اشعار انقلابی

همجواری و همخوانی مذهب تشیع با عرفان، بنیان دینی و مذهبی و نزدیک بودن شعر و شاعری با مفهوم گسترده عرفان سبب شده است شعر انقلابی «مردانی» با الفاظ، اصطلاحات و تعبیرات عرفانی گره بخورد و پیوند عمیق پیدا کند. در اشعارش مضمون‌هایی چون امام خمینی، تلفیق عرفان و حماسه و هم‌چنین شهید و شهادت دیده می‌شود.

تلفیق اسطوره‌های تاریخی ایران با حماسه و جنگاوری، بازگشتن گاه خوبی برای شعر انقلاب بود. هم‌چنین اسطوره‌های مذهبی بویژه آنها و آنجا که با مقاومت یا جنگاوری همراه است بخوبی در اشعار انقلابی نصرالله مردانی بازتاب دارد:

نوشت در دم میلاد خاک «آدم» خون
شکوه نهضت «هابیلیان»، «محرّم» خون
هنوز کینه «قابیلیان» قاتل عشق
شراره‌ای است که دارد به سینه عالم خون
دگر سلاح تو ای «دیو» کور، کاری نیست
کنون به دست «سلیمان» ماست «خاتم» خون

(مردانی، ۱۳۶۴: ۵۸)

نصرالله مردانی از الفاظ و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی در اشعارش استفاده کرده است:
 شهید زنده‌تاریخ عشق می‌گوید
 به دار سرخ انا الحق دوباره باید رفت
 (مردانی، ۱۳۶۴: ۵)

عرفان حرف دل مردم است و در بی‌نهایت‌های احساس و اندیشه‌ی انسان ریشه دارد و در واقع معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف‌ناپذیر که انسان در این حال خود را غرق دریای حق می‌داند و بی‌واسطه حقیقت مطلق را کشف می‌کند (مکارمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۷۰). در اشعار انقلابی مردانی مجموعاً حماسه و عرفان که در ظاهر متعارض است در یکی بُعد زمینی غلبه دارد (حماسه) و در دیگری بُعد آسمانی (عرفان) با هم تلفیق شده است؛ به این معنی که هم اوج و اخلاص عارفانه در آن موج می‌زند و هم تکاپو و ستیز و حرکت حماسه در آن نیرومند است.
 شعر انقلابی در پیوند با تاریخ

شاعر انقلاب در شعر خویش، اغراض مختلفی را دنبال می‌کند: تفاخر در هم‌شانی با مبارزان پیشین، خرسندی از ابراز همدردی با بزرگان دین و امامان معصوم (ع) یا همراهی با این بزرگواران، تفسیح دشمنان در مشابهت دادن آنها به جلا دادن تاریخ و ابراز انزجار از اهل ظلم و ستم (کافی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). نمادها از نظر نوآوری و رواج دو نوع است: یکی نمادهایی که خود شاعر خلق می‌کند که ابداعی است و دیگر نمادهایی که در ادبیات مرسوم است. نصرالله مردانی عمدتاً از نمادهای مرسوم و قراردادی استفاده کرده است. البته نمادهای ابداعی نیز در اشعارش قابل توجه است؛ اما بسامد زیادی ندارد. به نظر می‌رسد، استفاده از نمادهای اساطیری و تاریخی در اشعار مردانی کاربرد بیشتری دارد.

«سندباد» قهرمان اسطوره‌ی دریا و موج می‌رود با اسب توفان تا دیار سرنوشت
 باز آی از «قاف» گل‌ای مرغ رویین‌بال عشق تا شود مغلوب من «اسفندیار» سرنوشت
 کفش‌های آهنین «سام» گرد افکن چه شد در کویر خار وامانده سوار سرنوشت
 «رخش» آتش‌پی، بگو «دستان» آهن دل کجاست «اشکبوسی» تازه دارد کار زار سرنوشت
 (مردانی، ۱۳۶۰: ۳۲)

به خاک تشنه‌بشارت دوباره باران داد
 بخوان که مرز خزان آرش بهار شکست
 (مردانی، ۱۳۶۰: ۱۹)

گوی مردانی به این اصل رسیده است که با بازنویسی و بازآفرینی اسطوره‌ها و کهن‌الگوهای ملی و استفاده از وجه زایا و سیال آنها می‌توان به اسوه‌سازی و ماندگاری و مانایی ارزشهای انقلاب اسلامی پرداخت.

نمادگرایی در ادبیات انقلاب اسلامی

جریانهای ادبی در طول تاریخ تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی شکل گرفته است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان پدیده‌ای عظیم و تأثیرگذار اجتماعی با نفوذ در ذهن شاعران این سرزمین گونه‌ای از ادبیات خاص خود را رقم زده و «حجم قابل توجهی واژه و اصطلاح و تعبیر به ادبیات انقلاب و انقلاب اسلامی ارزانی داشته است» (کافی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). مردانی نیز به نمادهای انقلابی در اشعار خویش توجه کرده است:

تندر تکبیرتان طوفان سرخ روزگار
نعره‌های نور جاری از گل رگبارتان
گونه را در خط خون شوید رو در روی خصم
تا شود گلگونتر از روی شفق رخسارتان
(مردانی، ۱۳۶۰: ۱۷)

نماد «دیوشب» در بیت زیر:

سر می‌کشد دیوشب از مرداب خونین
دیواره شب بشکند سیلاب خونین
(مردانی، ۱۳۶۰: ۵۹)

- صبح، سحر و بیداری نماد پیروزی انقلاب

سحر نماد پیروزی است. در اشعار نصرالله مردانی همه جا این نماد پیروزی با توصیف شهیدان همراه شده است. صبح و سحر و بیداری در شعر انقلاب لفظ و معنا، حضوری چشمگیر دارد. اصولاً «مردانی» تحت تعلیم دیدگاه‌های انقلاب و رهبر آن این بیداری را راه نجات می‌داند:

به «دار شعله» شهیدان عشق خندانند
دم از دوبارهٔ میلاد صبحدم بزنید
(مردانی، ۱۳۶۴: ۸)

صبح در تقابل با شب است. صبح نماد مفاهیمی چون عدالت، آزادی و روشنگری است و شب نماد خفقان و ظلم و ستم است؛ مانند ترکیب «صبح ظفرسواران» در مصرع زیر:

ازخوان خون گذشتند صبح ظفرسواران (مردانی، ۱۳۶۴: ۱۰۵)

نتیجه‌گیری

شعر انقلاب از دو جنبهٔ صوری و معنایی در اشعار مردانی دگرگون شد و انعکاس یافت. در اشعار او مضمون‌هایی مشاهده می‌شود که در دوره‌های قبل یا کمرنگ بوده، و یا اصلاً نبوده است. شعر او از یک سو به تأثر از سنت شعری حاکم بر ادبیات فارسی از ظرفیتهای بینامتنی تلمیح در مسیر تبیین طرز عقیده و تفکر و پیوستگاری بین صورت و معنا استفاده کرده است و از دیگر سو با تکیه بر خلاقیت هنری و نوآوری در مضمون و زبان، به بازنمایی بینش جهان‌نگرانه ناشی از مرامنامهٔ عقیدتی و ایدئولوژیکی خود می‌پردازد و بدین طریق بین دریافت شهودی شاعر و فهم کشفی مخاطبان پیوندی ناگسستنی ایجاد کرده است.

در قاموس شعری مردانی با توجه به تحولات مضمونی و محتوایی و رویکرد عقیدتی حاصل از انقلاب اسلامی و غلبهٔ نگرش ایدئولوژیکی مردم ایران در مبارزه با دشمن در مرتبهٔ اول تلمیحات دینی و مذهبی و در مرتبهٔ دوم به دلیل برجستگی جلوه‌های حماسی و پیوند آن با حال و هوای معنوی و عرفانی انقلاب اسلامی، تلمیحات اسطوره‌ای از فراوانی بیشتر برخوردار است با این ویژگی که او آن را در توجیه و تقویت مواضع سیاسی و انقلابی خود استفاده می‌کند. بنابراین، بازتاب گستردهٔ تلمیحات دینی - مذهبی در کنار تلمیحات اسطوره‌ای مبین تقارن نگاه حماسی و عرفانی در اشعار انقلاب اسلامی و کیفیت تلاش مردانی در بهره‌گیری از ظرفیتهای نمادین و زایشی اسطوره‌ها در الگوسازی و ترسیم مبانی فرهنگی و تقویت هویت ملی و بنیانهای معرفتی مخاطبان است که البته در غالب مواقع با رویکرد دیالکتیک (گفتگو محور) به متون ادبی یا اشعار شاعران کلاسیک همراه است.

با بررسی دقیقتر در ابعاد تحول شعر، هم از نظر صوری و هم محتوایی، می‌توان دو شاخص مهم استبدادستیزی، تعهد و مسئولیت را به‌عنوان ویژگی اصلی اشعار انقلابی نصرالله مردانی نام برد و برشمرد. انقلاب در محتوا، مضمون و موضوعات شعر مردانی بسیار اثرگذار بود و تحولی فرهنگی در این زمینه ایجاد کرد و در شعر او شور و شادی ناشی از پیروزی انقلاب و دفاع مقدس و ایثار و شهادت معنای ارزشی را در خود منعکس کرد و آینه‌ای برای اندیشه‌ها و باورهای انقلابی او شد.

نصرالله مردانی با استفادهٔ زیاد از مفاهیم دینی و عرفانی، شعر انقلاب را به دامن انتزاعی و غیرحسی سوق داده است. همین ویژگی و علاقهٔ شدید به خیال‌بندی در اشعار او در دو جهت حسی

و انتزاعی دیده می‌شود. این ویژگی عمده اشعار انقلابی او را تا حدودی ذهنی، دشوار و دوریاب کرده است. ویژگی دیگر که آشنایزایی زبانی و روی آوردن به ترکیبات بدیع و بی سابقه است، ویژگی دیگر آن است که در برخی غزلیات و مثنویهای انقلابی مردانی در عصر انقلاب نمایانگر است؛ به‌عنوان نمونه، کاربرد و استفاده از ترکیبات جدید در غزلهای نصرالله مردانی نمودی بارز و آشکار دارد. هم‌چنین می‌توان گفت بیان نمادهای دینی که در اشعار این شاعر تبلور یافته است، نشان از تأثیرگذاری فراوان دین و پیشتازی آن در مبارزات مردم مسلمان ایران دارد. عاشورا از برجسته‌ترین نمادهای دینی است که از مبارزه عدالت‌خواهانه سخن می‌گوید و از این رو به الگوی مبارزه علیه ظالمان و دفاع از مظلومان در همه زمانها تبدیل شده است. در مجموع، بیان شعری در سروده‌های این شاعر غالباً نمادین و غیرصریح است. در اغلب سروده‌های این شاعر، نوع نگاه شاعر، کاملاً آرمانی، امیدوار و نویدبخش است و توصیفاتش اغلب با تقدیس و تعظیم همراه است و شکوه و شکایت در اشعارش راه ندارد. در واقع در فضای آرمانی و روشنی که حاصل پیروزی انقلاب بود، جهت نگاه شاعر رو به اوج است.

منابع

- امین پور، قیصر (۱۳۸۷). آن یار دلنواز (یادنامه نصرالله مردانی)، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۸۶). حماسه‌های همیشه، تهران: فرهنگ گستر.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۸۷). هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۳). دگرگونی‌های انقلاب اسلامی در یک نگاه، تهران: سمت.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار.
- کافی، غلامرضا (۱۳۹۰). ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد حفظ و آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۸). منظومه ظهر، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۱). ادبیات معاصر ایران، تهران: نشر روزگار.
- کاکایی، عبد الجبار (۱۳۸۸). گزیده ادبیات معاصر، ش ۷، تهران: انتشارات نیستان.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۰). ده شاعر انقلاب، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- محدثی خراسانی، مصطفی (۱۳۸۵). سلوک باران، تهران: انتشارات سوره مهر.
- محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸). شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مردانی، نصرالله (۱۳۶۴). خون نامه خاک، تهران: انتشارات کیهان.
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۰). خون نامه خاک، چ دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- مردانی، نصرالله (۱۳۶۰). قیام نور، تهران: انتشارات حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی.
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۴). سمند صاعقه، تهران: حوزه هنری.
- مردانی، نصرالله (۱۳۶۰). قیام نور، تهران: انتشارات حوزه و اندیشه و هنر اسلامی.
- مردانی، نصرالله (۱۳۷۶). قانون عشق، تهران: نشر صدا.
- مکارمی نیا، علی (۱۳۹۱). بررسی شعر دفاع مقدس، تهران: نشر باد.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۹). جویبار لحظه‌ها، تهران: جامی.